

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

National Characters

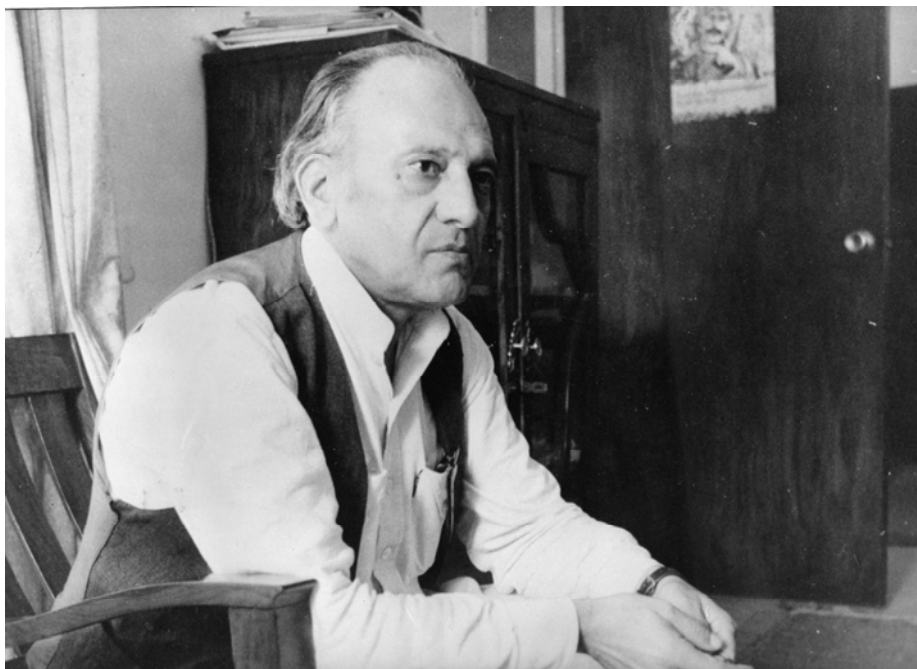
شخصیت های ملی

ولید صاعد

۰۶ فبروری ۲۰۱۴

به مناسبت:

اولین سالروز وفات شادروان پوهاند دکتور سید هاشم صاعد



مرحوم دکتور سید هاشم صاعد یک سال قبل از امروز به تاریخ ۹ فبروری ۲۰۱۳ بعد از یک مریضی طولانی و بعد از یک عمر جهد و تلاش و مبارزه برای آبادی و آزادی میهن به سن ۸۵ سالگی جهان فانی را وداع گفته به جاودانگی پیوست و در عالمی از اندوه و ستایش دور از دامن وطن به خاک سپرده شد. از شخصیت والا و خدمات ارزشمند و مبارزات آزادیخواهانه وی سخن ها رفت و از دامنه های هندوکش تا قاره های امریکا، اروپا و استرالیا مجالسی در تجلیل از شخصیت و مقام وی برگزار گردید و همه از فقدان وی در جامعه سیاسی، فرهنگی و علمی کشور اظهار تأسف و اندوه نمودند.

دکتور سید هاشم صاعد که از عمق جامعه خویش برخاسته بود با نزاکت ها و رموز و ارزشهای جامعه آگاهی کامل داشت. وی از درد ها و کمبودی های مردم وطنش آگاه بود و از این کمبودی ها و نابرابری ها مانند یک تعداد دیگر از همنشینان و همقطاران اش رنج می برد، بناءً از همان آوان جوانی با اندیشه تحول طلبانه و آزادی خواهانه پا به

عرصه سیاست و مبارزه گذاشت. عشق و علاقه فراوان وی به مسائل سیاسی و اجتماعی وی را بر آن داشت تا فاکولته طب را ترک نموده شامل فاکولته حقوق و علوم سیاسی گردد و با این آرزو توانست در زمره استادان نیک نام و حقوقدانان شناخته شده کشور، مدافع حقوق قشر نادار و فرودین جامعه گردد. وی از همان نوجوانی ها تشنه آموزش و فراگیری بود، با شخصیت های پاک دل و پاک دامن و آزادیخواه نشست و برخاست داشت. چنانچه خود می نویسد که: «... هر کجا اسمی از انسان شریف و دانا می شنیدیم بیدرنگ به سراغش می رفتیم تا مگر از مزرعه تجربه و دانش شان خوشه بر چینیم. در برخورد با همین اوضاع بود که نویسنده در کنار بعضی دوستان دوره مدرسه خود، دوستان ارزشمند دیگری یافتیم که تعدادی از آنها تا سالیان زیاد در صف شخصیت های ملی و ترقیخواه جامعه قرار داشتند.»

با پخش خبر وفات استاد صاعد، پیام های مملو از تأثر و اندوه و مملو از ستایش از شخصیت وی از کشور های مختلف سرازیر گردید که هر یکی در لایه لای اندوه و تأثر فراوان، از ابعاد مختلف شخصیت او، از مبارزات او، از استقامت و استواری او در برابر مشکلات فراوان و بالاخره از مرگ در غربت او با افتخار و تمجید سخن گفتند و مرگ او را ضایعه ای بزرگ دانستند، ضایعه بزرگ در جامعه ای که هنوز درد ها و زخم هایش به مداوا ضرورت دارد و هنوز نابرابری و بی عدالتی، هنوز ظلم و ستم، فقر و بد بختی گلیم فرسوده اش را از دامن ناتوان آن دیار نیسته است.

پایداری و استواری شادروان دکتور صاعد بر اندیشه و ایدال هایش و استقامت در راه و رسالت ملی اش روشن و هویداست و همگان بر این نکته تأکید نموده اند چنانچه در جایی می خوانیم که: «استاد صاعد هیچ گاه به اورنگ نشینان باج و خراج نپرداخت.» و یا می خوانیم که:

«... در راستای تأمین آزادی، حاکمیت ملی و حاکمیت ستمدیدگان همیشه استوارانه وفادار ماند»

و یا: «... دست و پایش نلرزید و به دولتمردان جابر، ستم پیشگان و جنایت کاران تسلیم نشد»

و یا: «استاد صاعد مرد آزاد منش و آزاد اندیشی بود که عمر پربارش را به آزادی خواهی و حق طلبی سپری نمود»

و یا: «استاد صاعد به قول و قرار هایش وفا دار ماند و ایستاده مرد»

و یا: «... هرگز حاضر نشد به هیچ تجاوز گر و رژیم مستبدی تسلیم شود. داکتر صاعد تا توان در بدن داشت با قدم و قلم در راه بهروزی مردم کشورش تلاش کرد. بیماری طولانی توش و توان وی را تضعیف کرد با آن هم از هر گونه امکان ارتباط گیری خودداری نمی کرد و با زبان بی زبانی تعهدش را به شرافت سرزمین افغانستان و مردمش اظهار می داشت. مرگ داکتر صاعد برای جامعه روشنفکری افغانستان یک ضایعه جبران ناپذیر است.»

هموطن عزیز دیگری چنین نوشت: «داکتر صاعد در راه آزادی میهن، ترس جبن و سازش را به دور افگند و برای خود شهامت و برای فامیل و همسنگران افتخار دائمی کسب نمود...»

بلی این افتخار نصیب همه شخصیت های با درد، وطن پرست، آزادیخواه و ضد استعماری و ضد استبدادی و آنانی گردیده که هنوز صاعد و دیگر صاعد ها را با خود دارند و مردانه و استوارانه از آزادی، از دموکراسی و عدالت اجتماعی در برابر ظلم، استبداد و استعمار به دفاع بر می خیزند.

کمبود یک چنین انسانی که «با کوله باری از دیوان و قلم و کتاب» پیمان رزم بسته بود و برای مردم و میهنش تپید و رزمید و بالاخره دور از دامن وطن و در دیار غربت جان داد برای همه درد آور است چنانچه محترم همایون ساحل در شعر شان تحت عنوان «صاعد» عالی این را ترسیم نموده اند.

شگفتا

دانش آموزان جهد و

مدرسین دادگر را

که

چون صاعدان بر شکوه آزادی

با کوله باری از

دیوان

و قلم و کتاب

پیمان رزم و ایثار بستند .

با عاصیان و عیاران

کوهنورد

که :

طلسم ظلمت شب سیاه را

با مشعل خرد ،

اندیشه های بارور حقیقت

و دشنه و شورش

باید شکست

و بس .

تجلیل از مقام استاد صاعد با کلماتی مملو از احساس و قدر دانی بیانگر این واقعیت است که او در طول زندگی پر بار مبارزاتی و فعالیت های سیاسی و اجتماعی اش با شجاعت و صداقت گام نهاده و آن را در عمل ثابت نموده و نشان دهنده آن است که در راهی که وی و یاران و همسنگران شهید وی قدم گذاشته اند آن راه ادامه خواهد یافت و نقش گام های متین ایشان جست و جو خواهد شد .

شادروان دکتور صاعد در طول جنگ مقاومت ملی علیه اشغالگران شوروی سابق و رژیم کودتا به انواع مختلفی و با دان قربانی های فراوان به فعالیت و مبارزه پرداخت . ازجبهه آزادی خواهان در دانشگاه کابل تا تشکیل سازمان آزادی بخش ملی افغانستان (ساما) و جبهه متحد ملی و فعالیت های فرهنگی با مرکز اطلاعات افغان در پشاور پاکستان و فعالیت منحیث مشاور در اتحادیه سمت شمال در پشاور و نمایندگی جبهه متحد ملی در اروپا و سفر در کشور های مختلف دنیا جهت معرفی مقاومت مردم افغانستان ، فعالیت در کمیته حقوق بشر ، تدریس مبادی حقوق در اکادمی برای افغانها در المان و همکاری های تنگاتنگ وی با شورای دموکراسی در المان و بعداً در کشور کانادا و غیره همه نمونه ای از فعالیت ها و کار نامه های وی در طول جنگ آزادیبخش ملی و دوره مقاومت می باشد .

زندگی پر از فراز و نشیب است ، زیبایی هائی دارد و لحظه های تلخ و جانفرسا . زندگی مرحوم صاعد بیشتر با این تلخی ها ، تعقیبها و مشکلات فراوانی که دولتها برای او ایجاد می کردند و مشکلات اقتصادی ناشی از انتهای تقوا و پاک نفسی وی ، همراه بود . از دست دادن فرزند جوان و برادر برومند و یاران و همسنگران و بالاخره دوری از زادگاه و بستر بیماری درد های دیگر نیست که هر انسان را از پا می اندازد ولی هیچ یک از این دشواری ها و رنج های بیشمار دکتور صاعد را از راه و رسالت ملی اش به دور نساخت ، قسمی که هوطنان عزیز در این راستا بجا فرموده اند که:

«... داکتر صاعد در راه دفاع از استقلال افغانستان و دموکراسی قربانی های بزرگ را متقبل شد و هرگز حاضر نشد به هیچ تجاوز گر و رژیم مستبدی تسلیم شود. تلاشهای داکتر صاعد در سمت و سو دهی جنبش مقاومت ملی ضد تجاوز شوروی فصل پر افتخار زندگی او را تشکیل می دهد که او شاهد شهادت برادر و فرزندش بوده است.»

و یا می خوانیم که : «... این مبارز استوار در مبارزه با استبداد نظام های سرکوبگر و ضد مردمی اربابان استعمارگر آن در راستای تأمین آزادی، حاکمیت ملی و حاکمیت ستمدیدگان همیشه استوارانه ایستاد، قربانی داد و تا آخر به آن ارزشها و ایدآلهای عالی و شریفانه خود وفا دار ماند.»

«...دکتور صاعد در دوران شکست و فتور مبارزات دموکراتیک و در دوران استبداد جمهوری داوود خانی در کنار سایر پیشتازان جنبش برای سازماندهی دوباره آن تلاشهای بیدریغ کرد. پس از کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ ش، این تلاشها شدت و سرعت بیشتر یافت.»

«به یاد بود مرد بزرگی می نویسم که تا آخر عمر در راه تحقق دموکراسی، عدالت و روشنضمیری دست و پایش نلرزید و به دولتمردان جابر، ستم پیشگان و جنایت کاران تسلیم نشد.»

بلی همه این دشواریها و قربانی ها قامت استوار او را خم نتوانست، ولی بیماری طولانی تاب و توان وی را کاسته رفت ولی باز هم آهی نکشید و بر این بیماری نیز مانند مشکلات و دشواری های فراوان دیروز لبخند زد و رسالتش را فراموش نکرد.

در هنگام افتادگی و هنگامی که پر و بالش شکسته بود باز هم دوستان و یارانش را فراموش نکرد و ندا برآورد که :

صاحبذلان بگوی که «صاعد» میر زیاد من پر شکسته ام تو خود را به من رسان

و یا شعر «آرزوی وطن» را چنین آغازید:

دستم بگیر و زود به خاک وطن رسان افسرده را به سیر گل و یاسمن رسان

ولی دریغا که این آرزو و آرزو های دیگری که وی برای مردم و میهنش داشت، برآورده نشد و صاعد در عالم غربت در حالی که فقط چند جلد کتاب و کاغذ و قلم و نام و افتخار فراوان از خود به یادگار گذاشت به جاودانگی پیوست و یاران و همسنگران از آنسوی قله های هندوکش ندا برآوردند که : «... عقابان مغرور و بلند پرواز قله های هندوکش و بابا به سوی آفاقی که شهباز اندیشه صاعد بر بلندی آن در صعود بود و صدایش در آن دوردست های نهایت دور منعکس می شد، در پرواز اند. در این رهنوردی و کوهنوردی صاعد با ماست، با ما زندگی می کند، با ما سرورد آزادی فریاد می زند، با ما درد می کشد، با ما در اوج سختی ها و ره گمی ها و توفان ابر های سیاه، برای در آغوش کشیده آفتاب بال می زند....»

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

روحش شاد و خاطره اش گرمی باد

ولید صاعد

فبروری ۲۰۱۴